
فصل دوم

تنها دو دین در جهان

چند دین در جهان وجود دارد؟ صدها؟ شاید هزاران؟ من فقط سعی می‌کنم تمام نظام‌های اعتقادی و ساختارهای مذهبی مختلف را در آمریکا درک کنم که به تنهایی می‌تواند گیج‌کننده باشد. اکثر مردم به سهم خود در سردرگمی و سرخوردگی تلاش می‌کنند تا بفهمند کدام دین به چه چیزی اعتقاد دارد و از چه نظر متفاوت است.

اما در واقع، نهایت دیوانگی این است که همه آنها را در یک دسته قرار دهیم و بگوییم: «همه یکسان هستند. همه ما به یک مکان می‌رویم - فقط تا زمانی که به یکی از این ادیان باور داشته باشیم!» اگرچه این راحت است، اما واقعاً منطقی نیست. آنچه این مذاهب را از نظر اعتقادی تفکیک می‌کند؛ وجود تفاوت‌های کوچک و بزرگ است. در واقع، برخی از نظر اعتقادی کاملاً متضاد هستند. نتیجه‌گیری این که «همه جاده‌ها به یک مقصد منتهی می‌شوند» خوب به نظر می‌رسد، اما این تئوری به غربالی می‌ماند که آب را نگه نمی‌دارد، بناء این تئوری مورد قبول کتاب مقدس نبوده و در حقیقت در تضاد با آن قرار دارد.

پس چگونه می‌توانید تمام «پرزهای» مذهبی را غربال کنید و به اصل موضوع بپردازید؟ چگونه می‌توانید حقیقت را از خطا - واقعیت را از داستان تشخیص دهید؟ چگونه می‌توانید بین طرح واقعی خدا و جایگزین ارزان انسان تشخیص دهید؟ پاسخ به این سوالات ساده‌تر از آن چیزی است که تصورش را بکنید.

بازگشت به سوال اصلی نخست، چند دین در جهان وجود دارد؟

آیا دو تا را باور می‌کنید؟

حقیقت این است که شما می‌توانید تک تک دین‌های جهان را به یکی از دو دسته اصلی دسته‌بندی کنید.

شما می‌توانید همه چیزهای خارجی را از بین ببرید - از تفاوت‌های جزئی گرفته تا شکاف‌های کلامی بزرگ - و به راحتی به اصل موضوع بپردازید.

این طور فکر کنید--بیشتر ادیان با آنچه در فصل اول بحث کردیم موافقت. اکثر مردم جهان، خالق را تصدیق می‌کنند. این تعریف از آن خالق و درک آن دنیای معنوی است که به آشکار ساختن تفاوت‌ها می‌انجامد.

مهمتر از آن این است که چگونه خالق را بشناسیم و چگونه وارد یک «زندگی پس از مرگ» مسالمت‌آمیز شویم که واقعاً گروه‌ها را از هم جدا می‌کند. به عبارت دیگر چگونه به خدا برسیم و چگونه به بهشت برسیم؟ اکثر مذاهب جهان به شکلی یا به نحوی سعی در پاسخ به این دو سوال اساسی دارند.

بنابراین، چگونه می‌توانیم بسیاری از سیستم‌های اعتقادی پیچیده را در نظر بگیریم و آنها را به دو نظام اعتقادی اساسی ساده کنیم؟

با دو کلمه می‌توان این پرسش اساسی را مطرح کرد و بر مبنای آن، راست را از ناراست و صواب را از ناصواب تشخیص داد.

و اما این دو کلمه کدام‌ها اند؟

برای وضاحت و شرح این دو کلمه باید مختصراً گفت که تمام ادیان دیگر مبنای اعتقادی و یا شرط مومن شدن را بر پایه انجام پاره از امورات قرار داده اند که در لیست «انجام دادن های» شان وجود دارد. بناء برای رستگار دانسته شدن، باید پاره از امور را انجام داد. این کلمه «انجام دادن» بزرگترین ملاک تفکیک است. از سوی دیگر، ایمان به عیسای مسیح، انسان را از قید «انجام دادن اموراتی که در لیست سایر ادیان وجود دارد، بی نیاز می سازد، چون عیسای مسیح، همه امور را به یکباره به انجام رسانید.³»

[انجام دادن] و یا [انجام شد]⁴ دو کد و یا کلید واژه است که ما را کمک می کند راه درست و صواب را از راه نادرست و ناصواب تشخیص دهیم. به یاد داشته باشید که این دو کلمه در طول مطالعه این کتاب به شما کمک می کند تا مسایل خیلی اساسی را بهتر درک کنید. ادیانی دارای لیست «انجام دادن ها» در حقیقت، نظام های اعتقادی هستند که پیام اصلی آنها این است که «چه کاری باید انجام دهید تا رضایت خداوند را برای ورود به بهشت را بدست آورید.»

توافق کلی میان این ادیان این است که انسان به نحوی از خدا جدا شده و باید کاری کند تا به او بازگردد. در این سیستم ها، خدا مانند یک معلم سختگیر و ناراحت است -- و او واقعاً از اینکه مردم بد رفتار می کنند عصبانی است. او جایی در بهشت است، از کل نژاد بشر به خاطر انجام کارهایی که او را ناراضی می کند ناراحت است، و از همه انتظار دارد که با انجام کارهای خوب، اشتباهات خود را جبران کنند. او روی تخت سلطنت نشسته است، و انتظار دارد که بشریت با انجام کارهای خوب یا کارهای دینی برای او، بدی های خود را جبران کرده و در نهایت به او بازگردند.

اکنون، تعریف «آنچه خدا از ما می خواهد انجام دهیم» بسیار متفاوت است، و بنابراین ما سیستم های اعتقادی بسیار متفاوتی داریم، اما هسته اصلی - جوهر هنوز یکسان است. پیام به سادگی این است، «انجام دهید.» کارهای درست را انجام دهید، کارهای نادرست را انجام ندهید، و به نحوی خداوند به شما اجازه ورود به بهشت را خواهد داد.»

مثل این است که ماکارونی و پنیر یکسان را به پنجاه و دو روش مختلف پخته باشید. محتوای و پیام اصلی هر یک از این ادیان یکسان است - «خدا از شما ناراحت است، پس بهتر است برای خوشحال کردن او دست به کارهای خوب بزنید!»

در این دسته بندی: «انجام دادن امور خوب» و یا «اعمال نیک»، هر دینی فهرست متفاوتی از «بایدها» و «نبایدها» دارد برای برخی، این فهرست بسیار طولانی و خسته کننده است - به گناهان خود اعتراف کنید، غسل تعمید بگیرید، پول بدهید، تأیید شوید، سر خود را بتراشید، پنج وقت و یا سه وقت نماز بگذارید، در مراسمی خاص، گوسفند قربانی کنید، خانه شیطان را به سنگ بزنید، به دیدار خدا به عربستان بروید و یا برای آمرزیده شدن، فقط و فقط به پاپ در واتیکان اتکا کنید! این فهرست به اندازه تصورات انسان های روی کره زمین، بی پایان است. و با گذشت هر دهه، مذاهب جدید با فهرست های جدید ظاهر می شوند.

برای سیستم های دیگر، اساسی تر و کلی تر، مسئله خوب بودن است. خوب باشید، خوب باشید، و به طور کلی سعی کنید کارهای بد خود را با کارهای خوبتان جبران کنید.

برای برخی سیستم ها، این فهرست افراطی، و حتی عجیب است -- تشریفات خودزنی، قربانی کردن کودکان، خودکشی، قتل، و اشکال دردناک اسارت یا توبه.

در هر صورت، هدف اصلی و پیام اصلی یکسان است - شما باید راه خود را به سوی خدا ادامه دهید. شما باید لیست اعمالی را که خدا شما را مکلف به انجام آن ها کرده را برای خوشنود کردن خدا انجام دهید، خواسته های خدا را برآورده

³ عیسای مسیح با پرداختن قیمت گناهان انسان، و ارزانی رستگاری و زندگی ابدی را از طریق ایمان به او، به انسان تحفه داد. او به یکباره گی اقیمت گناهان انسان ها را پرداخت (مترجم)

⁴ نویسنده کتاب، ادیان موجود جهان را که تعداد شان شاید به هزاران برسد، در یک تقسیم بندی عمیق، به دو دسته اساسی تقسیم می کند. در این تقسیم بندی، تمام ادیان دیگر (به جز مسیحیت، که در حقیقت، بیشتر از اینکه دین باشد، رابطه ای مستقیم با خداوند است)، ادیانی هستند که برای پیروان شان لیستی از تکالیف را برای رستگار شدن و مومن شدن و قابل قبول شدن برای خدا، تدارک دیده و پیروان این ادیان، ملزم به رعایت این بایدها و نبایدها هستند. برخلاف این ادیان، شرط ایمان در مسیحیت راستین و نه آن مسیحیت که پاپ می گوید، تنها و تنها ایمان به مرگ و رستخیز عیسای مسیح و ایمان به اینکه او یگانه فرزند خداست که برای رهایی بشر از گمراهی، و برای پرداختن قیمت گناه بشر، به زمین آمد، بالای صلیب رفت و با خون خود، قیمت گناهان انسان را پرداخت، می باشد. (مترجم)

بسازید، خشم خدا را برطرف کنید و آمرزش خدا را به دست آورید. این سیستم ها شکل نهایی اسارت مذهبی برای میلیون ها نفر در سراسر کره زمین هستند. آنها گروگان ترس هستند و به سیستم های پیچیده از رفتار مذهبی وابسته هستند که متقاعد شده اند که آنها را به خدا بازگرداند و زندگی ابدی به آنها بدهد.

ادیان بر پایه «انجام لیست اعمال» از نظر سبک و ساختار بسیار متفاوت هستند - آنها در اشکال مختلف وجود دارند اما همه آنها باعث پذیرش مبتنی بر عملکرد می شوند. خداوند مسئول است و ما انسانها بیشتر شبیه برده گانی هستیم تا با تلاش بیشتر و انجام لیست بلند و بالایی از اعمالی که باید انجام بدهیم و یا انجام ندهیم، اسیر این نوع ادیان هستیم. برای اینکه خداوند ما را دوست داشته باشد و بپذیرد، بهتر است کارهایی انجام دهیم که او را خوشحال می کند.

غم انگیزترین چیز در مورد این سیستم های دینی -- مذهبی این است که آنها فقط ناامیدی و اسارت را ارائه می دهند. آنها در قلب انسان احساس ناامیدی را می کارند و به انسان این حس را می دهند که در نهایت توسط خدا طرد شده است و برای همیشه به این طرز فکر را در بین انسان ها تزریق می کنند که: «آیا من به اندازه کافی، برای خوب شدن و مقبول واقع شدن نزد خدا، کار کرده ام؟» این سیستم های مذهبی، خدا را بیشتر به عنوان یک ارباب سختگیر دارای تعداد بیشماری از برده ها معرفی می کنند.

این سیستم ها قلب را پر از تردیدهای آزاردهنده می کنند. اگر چیزی را از دست دادم چه؟ اگر به خواسته های خدا عمل نکرده باشم چه می شود؟ اگر لیست را اشتباه انجام دهم چه می شود؟ اگر در لیست من برخی از عناصر حیاتی وجود نداشته باشد چه؟ آیا به اندازه کافی خوب بوده ام؟ چقدر خوب بودن، به اندازه کافی خوب است؟ اگر به اندازه کافی خوب نبوده باشم چه؟

این سیستم ها برای ساختن ادیان ثروتمند و قدرتمند عالی هستند، زیرا مردم را به بردگی می کشند، اما هیچ کاری برای تسکین ترس ها و آرزوهای درونی قلب ما انجام نمی دهند. آنها هیچ کاری برای شفای وجدان انجام نمی دهند. آنها هیچ کاری نمی کنند تا ما را شخصاً با پدر آسمانی مهربانی که کتاب مقدس از او صحبت می کند آشنا کنند.

ببینید، سوالی که باید در هنگام نگاه کردن به این سیستم ها بپرسیم این است که «خدا چه گفته است؟» وقتی صحبت از بازگشت به خدا و به دست آوردن زندگی با او می شود، دستورات او چیست؟

تعداد کمی از مردم این را می دانند، اما برای پذیرش هر یک از ادیان «دارای لیست انجام دادن ها»، اساساً باید آموزش اصلی کتاب مقدس را دور بریزید! خودتان به این کتاب مقدس نگاه کنید و ببینید خدا به شما چه می گوید...

«و ما را نجات داد، اما نه به خاطر کارهای نیکویی که انجام داده بودیم، بلکه فقط در اثر رحمتی که نسبت به ما داشت...» (تیتوس 3:5).

به عبارت دیگر، با انجام کارهای نیک نمی توانید مورد لطف خداوند قرار بگیرید.

خدا دوباره می گوید: «بنابراین با انجام اعمال شرعی، هیچ جسمی در نظر او عادل شمرده نمی شود...» (رومیان 3:20). او می گوید: «شما نمی توانید خود را در پیشگاه خدا با انجام کارهای نیک توجیه کنید».

در آیه دیگر می خوانیم، «اما به کسی که کاری انجام نمی دهد، بلکه به خدایی توکل می کند که خداشناسان را عادل می شمارد و نجات می بخشد، ایمانش به حساب عدالت او گذاشته می شود.» (رومیان 4:5). خداوند در این آیه به معنای واقعی کلمه می فرماید که نمی توانید برای جلب رضایت خداوند کارهای نیک انجام دهید.

خدا چقدر واضح تر از این می تواند بگوید: «می دانیم که انسان با اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود...» (غلاطیان 2:16).

خداوند در ادامه می گوید که لطف او قابل کسب نیست. او در افسسیان 2:8-9 می گوید که نجات «از شما نیست، بلکه عطای خداست، نه از اعمال شما...» به این فکر کنید! «نه به آثار اعمال تان!»

این به چه معناست؟

به سادگی -- لیستی از اعمال قابل انجام در این سیاره وجود ندارد - هیچ سیستم مذهبی اختراع نشده است که شما را کمی مورد لطف خدا قرار دهد یا شما را به حضور او نزدیکتر کند.

حالا میدانم به چی فکر میکنید «چطور می شود؟ مطمئناً من می توانم با انجام کار نیک خدا را خشنود کنم!» به همین فکر بمان، تا با باز کردن بحث، پاسخی منطقی و مستدل برای این فکر و سوالت بدهم! زندگی خوب جای خود را دارد، اما به یاد داشته باشید که ما در مورد رفتن به سوی خدا و ارتباط با او صحبت می کنیم.

ما در مورد بازگشت به خداوند صحبت می کنیم. ما در مورد تمام مزایای حاشیه صادق بودن، داشتن یک زندگی خوب و کمک به امور خیریه صحبت نمی کنیم. ما این سوال را می پرسیم - آیا «انجام این کارها» برای من «نقطه های بارز» نزد خدا ایجاد خواهد کرد؟ اگر آنها را انجام دهم، آیا او مرا تأیید می کند، می پذیرد، مرا می بخشد یا بیشتر دوستم خواهد داشت؟

همه ادیان می گویند: «بله... تا زمانی که موارد مندرج [اعمالی که در لیست شان برای انجام دادن و انجام ندادن وجود دارد]⁵ در لیست ما را انجام می دهید.»

ولی خدا به قول خود و در کلام خود به شما می گوید نه! شما به سبب اعمال نیک تان وارد بهشت نمی شود، شما جاودانگی به دست نمی آورید این «از اعمال عدالت است که انجام دادیم...» (تیتوس 3:5). «شما نمی توانید کاری برای جلب لطف من یا برای جلب رضایت من انجام دهید.» شاید یکی از سخت ترین راه هایی که او آن را در اشعیا 64:6 بیان می کند، «همه ما گناه کاریم؛ حتی کارهای خوب ما نیز تمام به گناه آلوده است... و ما همه ما مثل یک برگ محو می شویم. و گناهان ما مانند باد ما را با خود خواهد برد.»

در این آیه خداوند می فرماید: «چیزی است که ما را به شدت از من جدا می کند که بهترین رفتار شما هم بیهوده است.» رفتار خوب در برابر مشکلی که ما را از خدا جدا می کند بی فایده است. ما بعداً در مورد این موضوع بیشتر صحبت خواهیم کرد، اما در حال حاضر، باید درک کنید که خدا هرگز به ما نمی گوید که عملکرد خوب ما، و انجام پاره از کارهای خوب، باعث نجات و رستگاری ما می شود!

در هیچ کجای کتاب مقدس حتی یک آیه وجود ندارد که تعلیم دهد که خدا مرا بیشتر می پذیرد و گناهانم را می بخشد، وقتی که کارهای درست انجام می دهم. انجام کارهای نیک مورد لطف خداوند قرار نمی گیرد.

چرا؟ خوب، خدا نگران رفتار من با خود نیست. برای خدا، ارتباط عمیقی که من منحیث یک مومن، از طریق ایمان به عیسای مسیح می توانم با او داشته باشم، بیشتر اهمیت دارد. او تحت تأثیر یک مذهب سرد قرار نمی گیرد. او یک رابطه نزدیک می خواهد. بنا اگر من مطابق به لیست اجرای اعمال، مشغول انجام کارهای خوب [به زعم خود] می شوم، من بیشتر از رابطه عمیقی که خداوند از من می خواهد، مصروف انجام اعمال بی ارزشی می شوم که نزد خدا هیچ ارزشی ندارد. خدا با ما رابطه صمیمانه و عمیق می خواهد، و نه اجرای مناسک بی روح و خشک و بی مفهوم!

ما در فصل دیگری به این فکر باز خواهیم گشت، اما ابتدا، اجازه دهید به آن کلمه کلیدی دیگر مراجعه کنیم کنیم - [انجام شد]!

انجام شد. تمام شد. تکمیل شد. کامل شد. به پایان رسید. آماده است. برآورده شد. چه کلمات خوبی!

اگرچه اکثر مذاهب جهان در دسته بندی [انجام بده و یا انجام دادن] قرار می گیرند، هنوز هم درها برای پیوستن به دسته [انجام شد] وجود دارد. بین سیستم های مذهبی که بر مبنای [انجام دادن] بنا یافته اند، و راه حقیقی که خداوند در کتاب مقدس ما را مخاطب قرار می دهد [انجام شد]، تفاوت از زمین تا آسمان هاست.

⁵ چنانچه گفتیم، تمام ادیان موجود روی کره زمین، لیستی از اجرای اعمال تعریف شده مطابق به نگرش شان، برای پیروان شان ساخته اند. این ادیان شرط رسیدن به خدا و مومن شدن را انجام و امتناع از انجام موارد ذکر شده در لیست شان می دانند.

پیام واقعی کتاب مقدس، بر مبنای [انجام شد] استوار است. به عبارت دیگر، همه چیز لازم برای بازگرداندن شما به خدا و آوردن شما به زندگی ابدی با او قبلاً انجام شده است.

هنگامی که عیسی بر صلیب آویزان بود، این کلمات را گفت: «تمام شد» (یوحنا 19:30). این عبارت در لغت به معنای «پرداخت کامل» می باشد. یعنی عیسی مسیح، قیمت تمام گناهان بشر آلوده به گناه را با خون مقدس خود، بر بالای صلیب، به یکبارگی پرداخت کرد و این مأموریت، انجام شد!

اینها برخی از آخرین کلماتی بود که او قبل از مرگش گفت. در آن لحظه، اتفاق شگفت انگیزی در اورشلیم افتاد. در آن معبد -- نمادی از حضور خدا -- حجابی وجود داشت که ترسناک ترین نمای حضور خدا را از نواحی قابل مشاهده بیرونی جدا می کرد. در لحظه که عیسی درگذشت، پرده به طور معجزه آسایی از بالا به پایین پاره شد و برای همه باز شد.

ناگهان گویی آنچه خدا را از انسان جدا می کرد اکنون کاملاً حذف شده بود و خداوند همه نوع بشر را دعوت می کرد که مستقیماً نزد او بیایند!

این خدا بود که به کل نسل بشر گفت «تمام شد!» و اما چه تمام شد؟ چه چیزی با رفتن عیسی مسیح بر بالای دار به اتمام رسید؟ چه چیزی انجام شد؟ عیسی مسیح به طور واضح انسان را مخاطب قرار داد و گفت: «تمام شد!» یعنی این که، قیمت گناهانی که انسان را از داشتن رابطه با خدا دور نگه میداشت، با قیمت خون من، به پایان رسید. هرکس که عیسی مسیح را منحیث ناجی خود بپذیرد، می تواند وارد این رابطه عمیق با خداوند گردیده و به زندگی جاودانه، در بهشت، دست یابد. آری! این است، معنی همان کلید واژه ای [انجام شد]!

انجام شد می گوید: «کاری دیگر برای انجام دادن وجود ندارد». قیمت پرداخت شده است. بدهی بخشیده شده است. کفاره تمام شد. اگر سعی کنید آن را به دست آورید، برای آن تلاش کنید، یا کاری برای به دست آوردن آن انجام دهید، وقت خود را تلف می کنید. قبلاً انجام شده است. یا به قول عیسی مسیح، روی صلیب، «تمام شد».

تصور کنید که هدایای فوق العاده را برای خانواده خود آماده کرده اید. شما با سخت کوشی، مبلغی را پس انداز کرده اید، خرید کرده اید، بسته بندی کرده اید، تزئین کرده اید، و همه آماده سازی ها را انجام داده اید. در صبح کریسمس، تصور کنید که بچه هایتان مشتاقانه برای جشن کریسمس دوان دوان پایین می آیند، اما به جای نشستن برای باز کردن هدایا، شروع به انجام کارهایی برای شما می کنند. آنها شروع به تمیز کردن گاراژ، شستن ماشین ها، شستن ظروف، جلا دادن کفش های شما و هر کار دیگری می کنند که می توانند انجام دهند، اما شما، این هدایا را بخاطر کار های خوبی که آن ها انجام می دهند و یا انجام خواهند داد، برای آنها نگرفته اید، این هدایا را بخاطر این برای فرزندان تان تدارک دیده اید که فقط آن ها را بدون ملاحظه دوست دارید. هدیه دادن شما، ربطی به کار های خوب اطفال تان ندارد.

فرض کنید پاسخ آنها چیزی شبیه به این باشد: «بابا، ماما! ما متوجه شده ایم که لایق هدایای شما نیستیم و بنابراین تصمیم گرفتیم آنها را با انجام کارهایی برای شما، به دست آوریم. ما تصمیم گرفتیم به شما خدمت کنیم و کارهایی را انجام دهیم تا ما بتواند مارا سزاوار مهربانی شما بسازد.»

چه کاری انجام می دهید؟ شما احتمالاً توضیح می دهید که این غیر ضروری است! شاید شما به فرزندان خود بگویید که در پس انداز، خرید و تدارک این هدایا چقدر زحمت کشیده اید. بنا اهدای این هدایا برای آنها، در بدل کار های خوبی که احتمالاً انجام خواهند داد، نیست. این فقط یک هدیه برای ابراز محبت شما به اطفال تان است که نیازی به جبران ندارد. این یک تحفه کاملاً رایگان و بدون چشم داشت از کار های خوب اطفال تان است، صرف به دلیل این که عاشقانه آنها را دوست می دارید.

این پیام خداوند به نسل بشر است:

«تا زمانی که خودت را مشغول انجام دادن کنی، کاری را که من قبلاً انجام داده ام از دست می دهی.» هدیه خریداری شده، میز چیده شده است و نیازی به انجام هیچ کاری نیست! تمام مقدمات انجام شده است. «اکنون بیایید با هم استدلال کنیم...»

دعوت خداوند از شما این است که نیازی نیست لیستی بلند بالا از اعمال و کارهای خوب را برای او انجام دهید، بلکه این است که به سوی او بیایید. این است که فرزندش عیسیای مسیح را به عنوان یگانه راه رسیدن به خود دانسته است. خداوند از شما میخواهد که عیسیای مسیح را ناجی خود قبول کنید، تمام مسئله، همین است.

پس با این همه ادیانی که در جهان وجود دارند، آیا واقعاً فقط دو دین وجود دارد؟ پاسخ نهایی، قطعاً این است! بله! فقط دو دین وجود دارد!

[انجام بده] و یا [انجام داده شد]!

در اینجا راه دیگری برای بیان آن وجود دارد: دین یا رابطه. آیا خدا سیستم‌هایی را ایجاد می‌کند که به او منتهی می‌شود یا چیزی شخصی‌تر می‌خواهد -- رابطه؟ شاید این واقعیت که او به ما می‌گوید او را پدر خطاب کنیم، کمی اوضاع را روشن کند. او می‌خواهد با شما رابطه داشته باشد. و روابط نزدیک محصول [انجام دادن‌ها] نیست، بلکه محصول بودن‌ها یا تعلق‌ها و یا رابطه‌های نزدیک با خداوند است.

از آنجایی که شما بیش از یک جسم هستید و خالق دارید، راه شناخت آن خالق چیست؟ پاسخ او به این دو سؤال چیست -- چگونه خدا را بخوانیم و چگونه وارد بهشت شویم؟ پاسخ‌های او در کتاب مقدس روشن است.

شما نمی‌توانید راه خود را به بهشت بدست آورید. شما نمی‌توانید کاری برای رسیدن به آنجا انجام دهید. شما نمی‌توانید راه خود را برای حضور یافتن نزد خدا انجام دهید. او چیزی بیشتر از یک دین سرد می‌خواهد. او یک رابطه‌ی نزدیک، گرم و بر مبنای عشق لایتنه‌ای اش به انسان، می‌خواهد.

مهمتر از همه، همه چیزهایی که برای از بین بردن شکاف بین شما و خدا لازم است قبلاً انجام شده است. هیچ کاری بیشتر نمی‌توانید انجام دهید تا لطف او و یا نجات او را به دست آورید.

بنابراین، در واقع فقط دو دین در جهان وجود دارد. ادیان مبتنی بر انجام دادن و دینی که باور دارد همه چیز با پرداختن قیمت گناهان انسان با خون عیسیای مسیح انجام انجام شد!

آیا در سیستم دینی بر مبنای [انجام دادن] گیر کرده اید؟ آیا در یک سیستم عملکرد به دام افتاده اید که فکر می‌کنید در مسیر درستی هستید؟ آیا در تلاش برای رسیدن به راه خدا هستید؟

من اغلب این سوال را از مردم می‌پرسم: «اگر امروز بمیری به بهشت می‌روی؟» جالب اینجاست که اکثر مردم می‌گویند: «بله، فکر می‌کنم، حتماً!» وقتی می‌پرسم «چرا؟» آنها چیزی شبیه به این پاسخ می‌دهند: «چون من سعی می‌کنم آدم خوبی باشم و سعی کرده‌ام کارهای خوبی انجام دهم.»

میدانید در پاسخ به سوالم چی می‌گویند؟ من انجام می‌دهم! یعنی ادامه دادن به راهی که اکثر سیستم‌های مذهبی، آن را راه رسیدن به خدا می‌دانند و لیست‌هایی را برای ترسیم اعمال خوب و بد تنظیم کرده و از پیروان‌شان می‌خواهند تا به انجام این اعمال، برای رسیدن به خدا، مداومت داشته باشند.

آیا در این سیستم مذهبی گیر کرده اید؟ اگر چنین است، پیام اصلی کتاب مقدس را از دست داده اید. اگر به یک نظام دینی مبتنی بر عملکرد اعتماد دارید، راه واقعی خدا برای رفتن به سوی او را از دست داده اید.

پاسخ شما به این سوال کلیدی چیست؟ به چه چیزی اعتماد دارید؟ [انجام دادن] و یا [انجام شد]؟ آیا دین دارید یا رابطه دارید؟ اگر دین دارید، اگر سیستم‌های مذهبی ابداع شده توسط بشر را برای رسیدن به خدا تعقیب می‌کنید، چیزی بیشتر از اتلاف وقت انجام نمی‌دهید، چون برای رسیدن به خدا، شما نیاز به درک کلام خدا و رابطه‌ی معنا دار با خالق تان هستید و نه سیستم‌های مذهبی خشک و بی‌روح!

ممنون که این مدت را با مطالعه این کتاب با ما بودید. چند بحث عمیق دیگر در پیش داریم.

فصل بعدی اخبار بسیار خوبی دارد که احتمالاً هرگز نشنیده اید...